

به نام خدا

جناب آقای بوجار نیشانی رئیس جمهور محترم کشور آلبانی

با سلام . احتراماً ما جمعی از اعضای جدانشده و همچنین خانواده های دربند فرقه تروریستی رجوی هستیم . فرقه ای که سالیان درازی است دوستان و برادران و خواهران و فرزندانمان را با مغز شویی و کنترل ذهن از ما جدا کرده و اجازه ملاقات ما را که جزو طبیعی ترین حقوق یک انسان آزاده و حتی یک زندانی دربند هم می باشد را به ما نمی دهد .

جناب آقای دوجار نیشانی رئیس جمهور محترم ، امروز در سایتهای این فرقه مطلبی تحت عنوان حضور تان را در مراسم 13 ژوئن سازمان مجاهدین در فرانسه را خواندیم که امیدواریم این اخبار هم مثل بیشتر اخبار این فرقه دروغ و کذب باشد .

جناب رئیس جمهور نمی دانیم شما در مورد این فرقه منفور تروریستی چه مقدار اطلاعات دارید اما ما می خواهیم گوشه ای از خیانتهای این فرقه تروریستی را برایتان بازگو کنیم شاید که اگر تصمیمی بر این موضوع داشتید منصرف شوید .

این سازمان تروریستی در دهه های شصت و هفتاد شمسی خط مشی ترور و انفجار و کشتار را در پیش گرفت و هنوز هم به آن افتخار می کند؟! آنها شروع کننده ترور و خشونت و مشخصاً عملیات انتحاری در دهه های اخیر در منطقه بودند و قبل از آن خبری از این کارها در منطقه نبود؟! نمی دانم آنها از کی این قدر مهربان و ضد خشونت و ضد ترور و مسالمت جو شده اند که با برگزاری چنین کارناوال هایی قصد دارند خوی تروریستی خود را پشت این نقاب مخفی نگاه دارند؟!!

مجاهدین در طی سالهای 1351-1354 دست به یک سلسله کارهایی در جهت مبارزه با رژیم شاه زدند و در اردیبهشت 1351، یک هفته پس از اعدام اولین گروه شان ، به یک پاسگاه پلیس در تهران حمله کردند. سپس دفتر مجله «این هفته» را که به اشاعه فرهنگ غرب و تخریب روحیه خلق متهم شده بود، منفجر کردند. همچنین در بهار 1351 به مناسبت بازدید نیکسون ، رئیس جمهوری آمریکا از ایران ، در دفتر اداره اطلاعات آمریکا ، انجمن ایران و آمریکا ، دفاتر پیسی کولا ، جنرال موتور ، شرکت نفت دریایی و هتل اینترنشنال ، بمبهایی را منفجر کردند. اتومبیل ژنرال هارولد پرایس ، رئیس هیات مستشاری آمریکا را در ایران به گلوله بستند اما موفق به کشتن او نشدند. در 12 مرداد 1351 به نشانه اعتراض به ورود ملک حسین ، پادشاه اردن به ایران یک بمب در سفارت اردن منفجر کردند.

به نمونه های دیگری از جنایات تروریستی آنها پس از انقلاب اسلامی هم توجه فرمایید :

- فاجعه هفتم تیر و شهادت آیت الله بهشتی و 72 تن از یارانشان

- فاجعه 8 شهریور و شهادت رجایی (رئیس جمهور) و باهنر (نخست وزیر) وقت کشور و سرتیپ دستجردی

- ترور دانشجوی نابغه شهید مهدی رجب بیگی

- ربودن ، شکنجه و زنده به گور کردن 3 پاسدار کمیته

- ترور ائمه جمعه و جماعات همانند شهیدان آیت الله دستغیب و مدنی و صدوقی که در ادامه به صورت کامل آنها را شرح خواهیم داد .

- بمب گذاری در مسجد ابودر تهران و سو قصد به رهبری و بمب گذاری در نماز جمعه تهران و تکه تکه شدن 14 نمازگذار آنهم در اوج عملیات علیه دشمن متجاوز خارجی یعنی صدام حسین و بمب گذاری در حرم امام رضا (ع) در ظهر عاشورا و شهادت 32 زائر

- ترور امیر سپهبد علی صیاد شیرازی و سید اسد الله لاجوردی

- باضافه همکاری با سازمان اطلاعاتی اسرائیل در به شهادت رساندن دانشمندان هسته ای ایران و ...

ترورهای انتحاری ، بخشی دیگر از کارنامه سیاه گروه تروریستی این فرقه یعنی «مجاهدین خلق» است که در ذیل به مهمترین این عملیاتها که خود به آن اعتراف کردید اشاره خواهیم نمود :

مهمترین ترورهای انتحاری که این گروه تروریستی مسئولیت آن ها را به عهده گرفته اند عبارتند از:

1 - ترور شهید کچویی

عامل انتحاری مجاهدین خلق : کاظم افجه ای

کاظم افجه ای عامل نفوذی گروهک تروریستی این فرقه در دادسرای انقلاب اسلامی که با سلاح کمری آقای کچویی را به شهادت می رساند و به حیات خویش نیز پایان می دهد. توضیح این عملیات تروریستی انتحاری در وبسایت رسمی آنها نیز درج شده است : تجلیل از عملیات تروریستی انتحاری کاظم افجه ای در نشریه مجاهد با عنوان : "... نخستین شهید مقدس عملیات فدایی مجاهدین !"



2 - ترور شهید آیت الله سید اسدالله مدنی

عامل انتحاری مجاهدین خلق : مجید نیکو

شهید آیت الله سید اسدالله مدنی متولد سال 1293 هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آذر شهر)

وی در 12 ذیقعده الحرام 1401 هجری قمری روز جمعه 20 شهریور ، پس از برگزاری نماز جمعه توسط یکی از عوامل گروه

تروریستی فرقه رجوی به نام مجید نیکو به شهادت رسید.

گروهک تروریستی رجوی ضمن برعهده گرفتن این جنایت که در آن علاوه بر آیت الله مدنی ، 17 تن از مردم نیز به شهادت

رسیدند ، شرحی از زندگی و فعالیتهای عامل این جنایت را منتشر ساخت که در سند زیر ملاحظه می شود:

شهادت ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۰ - شماره ۲۰۶ - شماره ۲۲ شهریور ۱۳۷۷ صفحه ۱

گرامی باد خاطره تابناک شهید مقدس مجاهد قهرمان مجید نیکو



● مجید نیکو در روز جمعه ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۰ با اقدام به عمل فدایی حسینی ، آخوند مدنی ، نماینده خمینی در آذربایجان و همدان را همراه با ۱۷ تن از پاسداران به هلاکت رساند

یکی از همروزانان مجید که در آخرین لحظه حیات پر افتخار این شهید قهرمان در کنارش بوده درباره عملیات قهرمانانه اش نوشته است: «ابتدا قرار بود این طرح در روز جمعه ۱۳ شهریور اجرا شود. شب قبل از آن با هم برهیم و مجید تا ساعتها بیدار بود و راز و نیاز می کرد. صبح جمعه با نشاط و شور هیبتگویی برخواست و پس از مرور مجدد طرح عملیاتی و براندازی فلک کت لاتر، با همه افراد پایگاه عملیات فدایی پرشوری تصمیم داد و به سوی سلیمانیه رفتند. بعد از پایان مراسم نماز صبحگاه روز جمعه برگشتند و به شرکت نزاراحت و افسردگی بود. روشن بود که آن روز توانستند برودن را به آخوند مدنی برسانند و اقدام طرح یک هفته به تعویق می افتاد. اما در تمام آن هفته ، مجید لیکنه ای تر کشیده راه حلها و شیوه های جدید برای حمله ما مستگلات احتمالی مخالف خود و تمام انرژی و هوش و توانش را به این کار صرفه بود...»

یکی دیگر از همروزانان که شاهد حمله عملیاتی مقدس فدایی، مجید بوده، در این باره نوشته است: «مجدید با همروزانان توانست حمله سازماندهی پاسداران را که در پیروان مدنی بودند شکست دهد و کاملاً به تو نزدیک کرده ، مجید با گهنگان دوستش را به دور بلند مدتی حلقه کرد و در حالی که پشت نماز پاسدارها می درازد ، سا فضا را تنگنویسان بر سر و پشتش می نوبندند او آخوند مدنی جاسوسکار را در میان نمازوان

پیر و مدنی می فشرود. لحظات پر دانه ای می گذشتند که هر لحظه این سوال را در ذهن بزرگتر می کرد که چرا نارتکها متعسر نمی شوند؟ اما مجید با سسماحت، شگفت آوری مأموریتش را دنبال می کرد و از ناگهان فرید انفجار نارتکها برخواست و از آن جا که من ایستاده بودم ، چندین پاسدار را دیدم که به هوا پرتاب شدند و دهها پاسدار شروع کردند...»

فر آن روز با شهادت این قهرمان مجاهد حق ، آخوند مدنی در دو به هلاکت رسید و ۱۷ تن از پاسداران محافظش نیز کشته شدند.

سورمان عمال و شناخته شده و همراهِ مجاهدین در آذربایجان ، توانست با اجرا طرح سازماندهی از لایه های متعدد حفاظت پاسداران بگذرد و عملیات مشخصی انجام یکن از سر سپرده ترین همفکران حسینی انجام دهد.

مركز ان و انوار اسلام

Habilian.ir

گرامی باد خاطره تابناک شهید مقدس مجاهد قهرمان مجید نیکو



● مجید نیکو در روز جمعه ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۰ ، با اقدام به عمل فدایی حسینی ، آخوند مدنی ، نماینده خمینی در آذربایجان و همدان را همراه با ۱۷ تن از پاسداران به هلاکت رساند

یکی از همروزانان مجید که در آخرین لحظه حیات پر افتخار این شهید قهرمان در کنارش بوده درباره عملیات قهرمانانه اش نوشته است: «ابتدا قرار بود این طرح در روز جمعه ۱۳ شهریور اجرا شود. شب قبل از آن با هم برهیم و مجید تا ساعتها بیدار بود و راز و نیاز می کرد. صبح جمعه با نشاط و شور هیبتگویی برخواست و پس از مرور مجدد طرح عملیاتی و براندازی فلک کت لاتر، با همه افراد پایگاه عملیات فدایی پرشوری تصمیم داد و به سوی سلیمانیه رفتند. بعد از پایان مراسم نماز صبحگاه روز جمعه برگشتند و به شرکت نزاراحت و افسردگی بود. روشن بود که آن روز توانستند برودن را به آخوند مدنی برسانند و اقدام طرح یک هفته به تعویق می افتاد. اما در تمام آن هفته ، مجید لیکنه ای تر کشیده راه حلها و شیوه های جدید برای حمله ما مستگلات احتمالی مخالف خود و تمام انرژی و هوش و توانش را به این کار صرفه بود...»

یکی دیگر از همروزانان که شاهد حمله عملیاتی مقدس فدایی، مجید بوده، در این باره نوشته است: «مجدید با همروزانان توانست حمله سازماندهی پاسداران را که در پیروان مدنی بودند شکست دهد و کاملاً به تو نزدیک کرده ، مجید با گهنگان دوستش را به دور بلند مدتی حلقه کرد و در حالی که پشت نماز پاسدارها می درازد ، سا فضا را تنگنویسان بر سر و پشتش می نوبندند او آخوند مدنی جاسوسکار را در میان نمازوان

در سند فوق که مربوط به نشریه مجاهد شماره 206 مورخ شهریور 1377 می باشد، آمده است: " مجید نیکو در روز جمعه 20

شهریورماه 1360، با اقدام به عمل فدایی حسینی ، آخوند مدنی ، نماینده خمینی در آذربایجان و همدان را همراه با 17 تن از

پاسداران به هلاکت رساند".

همچنین در ادامه این سند و در توضیح نحوه ارتکاب به عملیات تروریستی انتحاری آمده است: " ... لحظات پردلهره یی می گذشتند که هر لحظه این سوال را در ذهن بزرگتر می کرد که چرا نارنجکها منفجر نمی شوند؟ اما مجید با سماجت شگفت آوری مامورینش را دنبال می کرد و ناگهان غریو انفجار نارنجکها برخاست و از آن جا که من ایستاده بودم ، چندین پاسدار را دیدم که به هوا پرتاب شدند ..."

همچنین در سند دیگری که در وب سایت رسمی گروه تروریستی رجوی آمده است ، در معرفی زندگینامه تروریست دیگری به نام محمد محمدعلیزاده نیکو که برادر مجید نیکو می باشد ، این عملیات تروریستی دقیقاً شرح داده شده است:

The screenshot shows a profile page for Mohammad Alizadeh Nikoo on the website of the Mujahedin Khalq Organization of Iran. The header of the website is in Persian, with the title 'سازمان مجاهدین خلق ایران' (Mujahedin Khalq Organization of Iran) and the English translation 'Organization of Iran'. Below the header, there are navigation links in Persian: 'صفحه اصلی' (Home), 'اخبار/اطلاعیه' (News/Information), 'مریم رجوی' (Maryam Rajvi), 'مسعود رجوی' (Masoud Rajvi), 'مناسبتها' (Occasions), 'یاد شهیدان' (Martyrs), 'موسیقی' (Music), 'کلیپها' (Clips), and 'کتابخانه' (Library). The profile itself has a 'SHARE' button and a title in Persian: 'به یاد مجاهد شهید محمد محمدعلیزاده نیکو'. To the left of the text is a black and white portrait of a man with a mustache, identified as 'Mohammad Mohammad Alizadeh Nikoo'. To the right of the portrait, the following biographical information is provided: 'تاریخ تولد: 1344', 'محل تولد: تبریز', 'تحصیلات: دیپلم', 'سابقه مبارزاتی: 8 سال', 'زندانی سیاسی: 3 سال'. The main text of the profile describes his involvement with the organization, mentioning his brother's martyrdom and his own role in the 1989-90 uprising in Tehran, where he was killed on September 20, 1990.

3- ترور شهید آیت الله سید عبدالکریم هاشمی نژاد

عامل انتحاری مجاهدین خلق : هادی علویان

در سالروز شهادت امام جواد (ع) در هفتم مهر 1360 در چهل و نه سالگی به دست یکی از عوامل گروهک تروریستی آنها، به نام هادی علویان بر اثر انفجار نارنجک به شهادت رسید.

گروه تروریستی رجوی ضمن برعهده گرفتن این جنایت، شرحی از زندگی و فعالیت‌های عامل آن را منتشر ساخت که در سند زیر ملاحظه می شود:

شماره ۱۷۱

صفحه ۲۷
Habibian.ir

شهید مقدس، مجاهد قهرمان هادی علویان

بقیة‌الصفحة ۶

مشغول نظافت اتاق و مرتب کردن وسایل محل زندگی شد. در همه کارهای هادی نظم و انضباط زیادی به چشم می‌خورد و خودش نیز همواره جمله‌ی پشیمانگزار کبیر محمد حنیف‌نژاد را درباره‌ی ضرورت نظم در کارها و از جمله توجه کافی به مسئله‌ی نظافت تکرار می‌کرد.

بعد از پایان نظافت اتاق، هادی آماده‌ی خروج از پایگاه شد. ابتدا پولکها و وسایلی را که پیش خود داشت به محاهد شهید امیر یغمایی داد و پس از خدا حافظی پرشوری که با او داشتیم به سوی محل انجام عملیات شتافت. هادی با روحیه‌ای مصمم و قلبی آکنده از گینده‌ی مقدس انقلابی نسبت به دشمنان خدا و خلق، راهی میدانگاش شد تا جان بر سر عهد و پیمانی که بسته بود فدا کند. او همیشه می‌گفت: می‌خواهم درس بزرگی به ارتجاع بدهم و سرانجام آن روز موفق شد درس بزرگ و فراموش‌ناشدنی به امام رذالک‌پیشگان و تمامی مزدورانش بدهد...

در آن روز هاشمی نژاد خائن برای سرکوباری کلاسی به محل دفتر حزب می‌آمد و به همس دانیل بازرسی‌ها و مراعات‌های امنیتی ویژه‌ای از سوی پاسداران انجام می‌شد. اما با اینهمه هادی قهرمان توانست با محبتی مناسب، ورود

تهیه کرده بود. نارنجک‌های خود را نیز وارد ساختمان حزب کند.

ساعت ۱۰ صبح با ورود هادی (که ملحق به نارنجک بود) به حزب، قسمت مهمی از طرح با موفقیت پیش رفته بود. در آنجا او نارنجک را از جاسازی خارج کرده و در جیب خود می‌گذارد. در این هنگام هاشمی‌نژاد خائن در نماز خانه‌ی حزب مشغول صحبت بوده و پس از پایان کلاس، در حالیکه محافظینش او را احاطه کرده بودند، از سالن خارج میشود. هادی موقعیت مناسبی برای نزدیک شدن به او پیدا نمی‌کند...

سرانجام در لحظاتی که هاشمی‌نژاد به قصد خروج از ساختمان، از پله‌ها پائین می‌رفته است، در فرصت کوتاهی، هادی ضامن نارنجک را کشیده و او را از پشت بغل می‌کند... مزدور کثیف و خائن که خود را در جنگ انتقام خلق گرفتار می‌بیند، تلاش می‌کند تا بلکه راه گریزی بیابد، اما او را از انتقام خلق گریزی نبود و لحظاتی بعد با انفجار نارنجک، به سرای جنایتش رسید. علاوه بر هاشمی‌نژاد خائن تعدادی از پاسداران مزدور محافظش نیز مسرود اصابت شورش نارنجک قرار گرفتند.

هادی را بلافاصله همراه با هاشمی‌نژاد در یک آمبولانس به بیمارستان امام رضا منتقل

و مت به پیکر نیمه جان او حمله می‌کنند و دقایقی بعد، شهید مقدس مجاهد قهرمان هادی علویان به شهادت می‌رسد.

خبر اعدام انقلابی مهری درجه اول خمینی دجال در خراسان که طی عملیات مقدس انتحاری به‌عبارت مجاهد شهید فاسم مهریزی‌زاده انجام گرفت، سرعت در گوشه و کنار شهر و حتی حومه و خارج شهر پخش شد. مردم با خوشحالی این خبر را برای یکدیگر نقل می‌کردند. در کنار چهره‌ی شادان و خوشحال مردم و بویزه همراه با تسلای دل داغدار پدران و مادران شهدا و اسرای دلمبر خلق، بهت و حیرت و اندوهی که در قباذهای منحوس مسرذوران خمینی موج می‌زد، برآستی دیدنی و عبرت‌آموز بود.

هادی قهرمان که همواره از تأثیر شگرف تفسیر آیه‌ی "اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر" بود خود سخن می‌گفت، این بار به مصداق همان آیه و با احساس مسئولیتی عمیق در برابر توده‌های به جان آمده از ستم و ظلم خمینی دجال، رسالت سبکبندی را به انجام رساند و سبکبال و خونین پیکر به نزد پاران شهیدش شتافت.

یاد مجاهد قهرمان



در بخشی از سند مذکور که در نشریه مجاهد شماره 171، سال پنجم، پنجشنبه 7 مهر ماه 1362 به چاپ رساندند چنین آمده است: سرانجام در لحظاتی که هاشمی نژاد به قصد خروج از ساختمان از پله ها پائین می رفته است در فرصت کوتاهی هادی ضامن نارنجک را کشیده و او را از پشت بغل می کند... و لحظاتی بعد با انفجار نارنجک، به سزایش رسید. علاوه بر هاشمی نژاد تعدادی از پاسداران محافظش نیز مورد اصابت ترکش نارنجک قرار گرفتند.

سازمان تبلیغات اسلامی ایران

هادی علویان
شهید عملیات
مقدس انتحاری

فردی که در این روزگار، روزگار صدها این از بهترین و پداکارترین فرزندان خلق را به خاک و خون می کشد... باشد که این نارنجک من توری باشد و روش من خشن این شهیدان نظامی رسید...
از آخرین نامها مجاهد فرمان: هادی علویان به خاطر ایالتی نو صلحاً ۱۶

نشریه مجاهدین ★ **خلق ایران**

شماره ۴۰۷

MOJAHED No. 407 Tuesday, 22 September 1998 (39 / 98)

4 - ترور شهید آیت الله عبدالحسین دستغیب (شهید محراب)

عامل انتحاری مجاهدین خلق: گوهر ادب آواز

متولد در سال 1288 هجری شمسی در شیراز

در تاریخ بیستم آذرماه 1360 مطابق با 14 صفر 1402 هنگامی که عازم نماز جمعه بود به دست یکی از عوامل گروه تروریستی مجاهدین به نام گوهر ادب آواز به شهادت رسید. در این فاجعه 12 تن از مردم نیز به شهادت رسیدند.

شورای ملی مقاومت که یکی از شاخه های گروه تروریستی آنهاست با صدور اطلاعیه ای با بر عهده گرفتن این جنایت ، عامل این جنایت را معرفی می کند. در بخشی از این سند آمده است : " ... در روز جمعه 20 آذر این واحد رزمنده به قصد انجام این عملیات که از قبل مورد شناسایی دقیق قرار گرفته بود به محل اعزام و در لحظه تعیین شده خواهر مجاهد شهید " گوهر ادب آواز " یکی از اعضای واحد انقلابی پس از شکستن حلقه مزدوران محافظ دستگیر با انفجار بمب دست ساز او را به همراه 12 تن از محافظانش به هلاکت رسانده و دیگر رزمندگان مجاهد سالم به پایگاه خود مراجعت کردند . در این عملیات دلاورانه خواهر مجاهد ما نیز به شهادت رسید ... "



5 - ترور نافر جام آیت الله احسان بخش

عامل انتحاری مجاهدین خلق : علی پور ابراهیمی

آیت الله احسان بخش در روستای لیف شاگرد ، سال 1309 دیده به جهان گشود. این روحانی بزرگوار و پرتوان محور مجاهدت ها و تلاش های مردم غیور و مومن رشت و استان گیلان و منشاء خدمات فراوانی در سراسر آن منطقه بود و تحرک شبانه روزی و خستگی ناپذیر او ، نمونه ای کم نظیر محسوب می شد و آثار ماندگار او در رشت و سایر شهرهای گیلان موجب نام نیک همیشگی اوست .

گروهک تروریستی رجوی همانگونه که در سند زیر مشاهده می شود با ارتکاب به عمل تروریستی انتحاری درصدد به شهادت

رساندن این عالم فرزانه بود که ناکام ماند و عامل انتحاری به هلاکت رسید. شرح کامل این عملیات تروریستی در نشریه مجاهد

شماره 147 صفحه 22 آمده است:



6 - ترور شهید آیت الله محمد صدوقی

عامل انتحاری فرقه رجوی : محمدرضا ابراهیم زاده

متولد سال 1287 ش برابر با 1327 قمری - یزد

آیت الله محمد صدوقی در روز 11 تیر 1361 مطابق با دهم ماه مبارک رمضان سال 1402 قمری، پس از ادای نماز جمعه در

حالی که جایگاه را ترک می کرد ، توسط یکی از عوامل این گروهک تروریستی به نام محمد رضا ابراهیم زاده اهل نائین - که

حامل دو قبضه نارنجک و ملبس به لباس ارتشی بوده به طرز فجیعی به شهادت می رسند و قاتل نیز در دم کشته می شود.

در این فاجعه تعدادی از پاسداران محافظ شهید صدوقی نیز مجروح می گردند و 3 نفر از نمازگزاران زن نیز بر اثر ازدحام جمعیت

پایمال شده و فوت می نمایند.

گروه تروریستی مجاهدین ضمن بر عهده گرفتن این جنایت در اطلاعیه ای اعلام داشتند :

نشریه اتحادیه انجمن دانشجویان ، شماره 51 ، 61/6/5 ، صفحه 15

اطلاعیه سیاسی نظامی - گروهان - خانواده مصباح- در رابطه با ترور صدوقی از طریق عملیات انتحاری توسط محمدرضا ابراهیمی

زاده :

صدوقی به دلیل ارتکاب تمامی اعمالش در دادگاه خلق به اعدام انقلابی محکوم و واحد عملیاتی مجاهد سیواش ابراهیمی عهده دار اجرای این حکم انقلابی گردید .

همچنین در سند دیگری در نشریه مجاهد مورخ سه شنبه 8 تیر 1378 چنین آمده است:

شهیدان

به یاد مجاهد شهید محمدرضا ابراهیمی زاده، قهرمان عملیات مقدس انتحاری در یزد

مجاهد ابراهیمی در تهران متولد شد. خانواده وی در استان مازندران ساکن است. او در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در یزد متولد شد. تحصیلاتش در رشته حقوق بود. او در سال ۱۳۶۸ هجری قمری به یزد مهاجرت کرد و در آنجا با گروه مجاهدین اسلامی آشنا شد. او در جریان عملیات مقدس انتحاری در یزد شرکت داشت. در روز ۱۳ شهریور ۱۳۷۸ هجری قمری در جریان عملیات انتحاری در یزد شهید شد.



مجاهد ابراهیمی در تهران متولد شد. خانواده وی در استان مازندران ساکن است. او در سال ۱۳۴۸ هجری قمری در یزد متولد شد. تحصیلاتش در رشته حقوق بود. او در سال ۱۳۶۸ هجری قمری به یزد مهاجرت کرد و در آنجا با گروه مجاهدین اسلامی آشنا شد. او در جریان عملیات مقدس انتحاری در یزد شرکت داشت. در روز ۱۳ شهریور ۱۳۷۸ هجری قمری در جریان عملیات انتحاری در یزد شهید شد.

7 - ترور شهید آیت الله عطاء الله اشرفی اصفهانی

عامل انتحاری مجاهدین خلق : حسین خدائرمی

متولد سال 1323 هجری قمری در خمینی شهر

ایشان در سن 80 سالگی در ساعت 12/15 ظهر 23 مهرماه 1361 در نماز جمعه مسجد جامع کرمانشاه توسط یکی از اعضای

گروه تروریستی فرقه رجوی به نام محمد حسین خدائرمی به شهادت رسید.

گروه تروریستی رجوی رسماً این جنایت را بر عهده گرفت و عامل این جنایت را معرفی کرد:

گرامی باد خاطرۀ تابناک شهید مقدس، مجاهد قهرمان محمد حسین خدا کرمی

حماسه های مجاهد خلق،

لحظه های انقلاب

پوچمی خونین و سرخ
بر قله های انقلاب و مقاومت

گزارشی کوتاه از عملیات انتحاری مجازات "اشرفی اصفهانی"
توسط شهید مقدس، مجاهد قهرمان "محمد حسین خدا کرمی"

شهید مقدس، مجاهد قهرمان
محمد حسین خدا کرمی

"سئل ما نسلی است سرفرازو
تکلیم ناپذیر که از میان آتش و
دود و خون و تشنه سر برآورده
و تا برقراری جامعه فسط
توحیدی به معنای دقیق گفته از
پای نخواهد نشست...
(قصتی از وصیت نامه شهید
مقدس مجاهد خلق محمدحسین
خدا کرمی)
مجاهد قهرمان، شهید مقدس
محمد حسین خدا کرمی در سال
۱۳۴۴ در شهر همدان بدنیا
آمد و دوران تحصیلات ابتدایی و
متوسطی خود را در این شهر
به پایان رسانید. فعالیت های
سیاسی وی در دوران تمام خلق
بر علیه رژیم شاهنشاهی آغاز شد و
از سرنگونی رژیم شاه برای ادامه
فعالیت های انقلابی خود به سازمان
مجاهدین خلق ایران روی
آورد و به تشکلات سازمان در
همدان پیوست وی در رابطه با
پیوستن به سازمان می گفت:
"هدم از پیوستن به
سازمان ساربه با فقر و محرومیت
و استبداد و ارتجاع و برقراری
یک جامعه ی نوین و آزاد
می باشد و با شایستگی که از
سازمان و بدتولوزی رانگشا پند
آن دارم این اهداف را می توانم
فقط در تشکلات انقلابی سازمان
حقیق سازم"
وی در آغاز فعالیت در
سازمان، همراه با اکتب های امداد
به یوساهای محروم و فرزده
رفت و پس از مدتی در بخش
انتشارات و نشریات به فعالیت
پرداخت. در این دوران وی با
تشکلاتی تشکلیت به انجام
وظایف خود می پرداخت و طبق
گزارش های مسئولین خواب و
استراحت وی بیش از سه الی
چهار ساعت در شانروز نبود.
محمدحسین با ویژگی های انقلابی
ارضه برخورد فعال و بیوا با
مسئولیت ها، انطاق سریع با
تشریفات مفصل، درک عمیق از
مسئولیت ها و تواضع و
عروسی نسبت به خلق و گینه و
تفرت از ارتجاع و ضدانقلاب
آراسته بود و بویزه از روحیه
بالای نظامی برخوردار بود. با شروع
فاز نظامی و مبارزه انقلابی
در همدان، به شهر "دورود" انتقال
یافت و پس از مدتی به شهر
نهاوند رفت و نقش موثری در

کافی باشد... من می روم بیرون
آبی به سر و صورت بزنم...
در را باز می گذارم تا هوا عوض
شود. نیم ساعت دیگر در سالن
مستحقان را ادامه می دهم"
و به طرف در رفت.
"نادر" سری تکان داد و به
"موسی" که از اتاق بیرون
می رفت نگریست و بعد به طرف
بجهره رفت و از آنها حفاظ را
که کرمک در باز می فرود می رفت نگاه
کرد و حرف های "ب" می آید
در گوش هایش پیچید: "سازمان
انقلابی این
را که هر روز باعث گشته شدن
تعداد زیادی از مردم می شود
در ردیف عملیات خود قرار
داده است. بایستی تمام توان
ایدئولوژیک، سیاسی و تشکلاتی
خود را به توان نظامی تبدیل
نموده و این جزو عملیات انقلابی
و... را که از نزدیکترین
پارن خمینی است...
از سر راه انقلاب و خلق
بردارید. تا تشکلات و شیوه های
اجرای طرح را خودتان ام از
همچو سلحانه بوسیله مسئولین
منفرد و سرانجام عمل انتحاری
بایستی گف کفید و با توجه به
موقعیت به اجرا در آورید."
"نادر" لحظه ای از خودش
بیرون آمد و به "موسی" که با
تشاط منتول قدم زدن در حفاظ
خانه بود نگریست و دوباره به
بچه در صحنه بعد
پا زنی ها...
(۱) - نام مستعار مجاهد
شهید محمدحسین خدا کرمی
(۲) - "نادر" نام مستعار
یکی از زینندگان مجاهد که
دومین نفر این عملیات بود و
در صورت شکست طرح می بایست
مجازات اشرافی خائن را به

توضیح:
آنچه که در ذیل ملاحظه می کنید، فشرده ای از گزارش
حاصل عملیات اعدام انقلابی یک تن از مهم ترین مهره های
رژیم خمینی است و آنچه که این توضیح را ضروری می سازد
توجه به این مهم است که این گزارش تنها به نامی نارسا از روحها
و تلاشها و فداکاری های قهرمان دلیبر و مجاهدی چون شهید
مقدس محمدحسین خدا کرمی را در خود دارد. در حالیکه برای
بهران عملیات و شگوهای گونه عملیات باید از فرصت و امکاناتی کافی
برخوردار بود تا حق مطلب ادا شود. ولی در شرایط تشنگانگ
کنونی ایشان آن نیست. به هر حال حتی فشرده ای از این گزارش
نیز می تواند شاگرد عزم و اراده ای خلق قهرمانی باشد که چنین
فرزندان دلیری را در دامان خود پروراند و به میدان های
خونین انقلاب و سرخوش یک ملت و میهن فرستاده است.

تاریخ: ۲۳/۴/۶۱
ساعت ۱۳ و پانزده دقیقه ظهر
گرمشاه
.....
بانگ رعد آسمانی پاکتن در حریم
شهر می پیچد
مردم
مردم شهر
بعد از این فریادها روزی سپید
آغاز خواهد شد
خون با رزانی فریاد تشنگان باد
رفت مانند نیست
برخیزید...

سایه ی گذرختی که در
حیاط نظراتی جانید، چند
گنجشک ترکو را در لایلی
ناج و برگ خود جا داده بود.
بلندتر به نظر می رسید و
خورشید می رفت تا در افق های
دور دست به پشت فلای با در
گزانده دشتی خود را بنهان
کند. مقابل درب ورودی راهروی
کوچک خانه که خاکستری رنگ
بود، یک جفت پوسن سربازی
کینه و یک جفت کفش معمولی
به چشم می خورد. از داخل
یکی از اتاق ها که بزرگتر بود،
هر چند لحظه بیکار صدای

8 - ترور نافرجام آیت الله واعظ طبسی

عامل انتحاری فرقه رجوی: حسین بابایی

گروهک تروریستی مجاهدین خلق (فرقه رجوی) در نشریه مجاهد شماره 141 مورخ پنجشنبه 5 بهمن 1361 با به عهده

گرفتن این عملیات تروریستی انتحاری عامل این جنایت را نیز معرفی کرد:



9 - ترور کور - کشتار مردم بی دفاع تهران

عامل فرقه مجاهدین : آرام گفتاری

آرام گفتاری، یکی از تروریستهای گروهک مجاهدین بود که برای انجام یک رشته بمب گذاری از عراق به ایران اعزام شده بود. در روز 4 بهمن ماه 1379، هنگامی که مورد شناسایی نیروهای انتظامی قرار گرفت، با نارنجک به میان مردم رفت و با انتحار خود تعداد زیادی از مردم را کشته و مجروح ساخت.

در این عمل تروریستی انتحاری تعداد 6 نفر از مردم به شهادت رسیدند و 13 نفر نیز به شدت مجروح شدند.

پس از این عملیات جنون آمیز انتحاری، مسعود رجوی رهبر گروه تروریستی این فرقه در پیام نوروزی سال 1380 خود، همانگونه که در سند زیر می بینید این تروریست را با القاب "گرد گردن فراز" و "شهاب ظلمت سوز" مورد خطاب قرار داد:



10 - ترور و کشتار عشایر غیور کرمانشاه

عاملین انتحاری مجاهدین خلق (فرقه رجوی): لادن بادبانی و فهمیه صادقی

لادن بادبانی و فهمیه صادقی دو تن از عوامل گروهک تروریستی این فرقه بودند که برای انجام یک سری عملیات بمب گذاری و

ترور قصد ورود به کرمانشاه را داشته و با عبور غیرقانونی از مرز عراق با عشایر منطقه تختگاه اسلام آباد مواجه شده بودند، با

کشیدن نارنجک به عشایر منطقه حمله ور شده و ضمن به هلاکت رساندن خود باعث به شهادت رسیدن تعدادی از عشایر غیور

کرمانشاه شدند.



مجاهد شهید لادن بادبانی، مجاهد شهید فهمیه صادقی

قاتلین عشایر اسلام آباد

فیردها و سلسله درگیریهایی «قیام کرمانشاه»

دهها پاسدار و مرفور اطلاعاتی و امنیتی کشته و مذبوح شدند و ۶ مجاهد خلق به شهادت رسیدند

مجاهد شهید زاهدی، مجاهد شهید لادن بادبانی، مجاهد شهید فهمیه صادقی، مجاهد شهید احمد رضایی، مجاهد شهید احمد افشاری، شهید مسعود
در این روز که در سید به شهادت رسید ۱۲ نفر ازین ۱۳۸۰، از جمله شهید
فرشته شهباز که در این روز به شهادت رسید و با شهادت اسلام آباد
کشته شد که در غرب کرمانشاه در بر گرفت.
در روز کشته شدن این مجاهدین که شهادت آنرا در کتابخانه برای
بعضی روزها گذشت.
سازمان ترور و مذبوحان و مرفورهای آن پس از کشته شدن
از کشته شدن و کشته شدن، کشته شدن و کشته شدن و کشته شدن

11 - ترور و کشتار مردم بندر انزلی

عامل انتحاری فرقه مجاهدین : ویتانا (میترا) جوینی

گروهک تروریستی رجوی در ضمیمه شماره 261 نشریه مجاهد اقدام به انتشار اسامی بخشی از تروریست های معدوم خود که در عملیاتهای انتحاری طی سالهای 1360 تا 1364 به هلاکت رسیده اند نموده است که در این سند نام ویتانا (میترا) جوینی عامل انتحاری و کشتار مردم بندر انزلی را نیز در زیر مشاهده می کنید :



اما تنها مردم کوچه و بازار نبودند که قربانی فرقه تروریستی مجاهدین خلق شدند. سوی مردم عادی و شهروندان بی گناه از جمله زنان و کودکانی که در ترور های کور این فرقه جان باختند ، اعضاء فرقه نیز از قربانیان اقدامات تروریستی آنها بودند .

قربانیان تروریستی مجاهدین خلق را می توان به دو دسته کلی تقسیم بندی کرد. دسته اول عموما مردم عادی بودند که در انفجارهای کور جان باختند مثل آنچه در انفجار 9 مهرماه بازار ناصر خسرو تهران روی داد و طی آن 70 نفر زخمی و شهید شدند و

آنچه که در بالا ذکر گردید، و همچنین بر اساس و شواهد و مدارک موجود تعداد این دسته از قربانیان، که عموماً مردم کوچه و بازار را دربر می‌گیرد 12 هزار نفر است. این، بیشترین آمار مربوط به ترورهای یک گروه تروریستی در ایران است. حتی در منطقه و در سطح جهانی نیز این آمار رقم بسیار بالایی است.

در مقایسه با بسیاری از گروه‌های تروریستی اروپایی مثل جدایی طلبان باسک که در طول 50 سال فعالیت شان تنها 800 قربانی داشته اند رقم 12 هزار نفری قربانیان ترور توسط گروهک تروریستی مجاهدین بسیار هولناک و نشان دهنده ماهیت شدیداً تروریستی و خوی آدم کشی آنهاست.

اما دسته دوم قربانیان تروریستی اعضاء خود فرقه هستند. که آنها نیز به چند مجموعه قابل تقسیم اند.

1- گروه اول معترضینی هستند که در زندان‌های درون سازمانی آنها شکنجه و یا اعدام شدند. بر اساس گزارش جداد شده های فرقه و نهادهای حقوق بشری، کسانی از اعضاء مجاهدین خلق که به شیوه ها و یا اقدامات رهبران فرقه اعتراض داشتند یا تحت شکنجه قرار گرفته و محبوس می شدند تا تادیب شوند و حرفشان را پس بگیرند یا اینکه باید جان می سپردند.

دیده بان حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود در مارس 2005 به این موضوع پرداخت و در این گزارش که موسوم به "خروج ممنوع" است و بر عدم امکان خروج اعضاء مجاهدین خلق ساکن در پادگان اشرف از این پادگان و بسیاری از موارد نقض حقوق بشر در آن دلالت دارد، دیده بان حقوق بشر، بر شکنجه افراد معترض، محبوس کردن آنها و حتی قتل این افراد صحنه می‌گذارد. در این گزارش به صراحت آمده است که: فرقه تروریستی مجاهدین در دهه 90 میلادی ناراضیان سیاسی را در زندان‌های داخلی محبوس نمود و بسیاری از آنها را مدتی بعد به عراق تحویل داد. عراقی‌ها نیز این افراد را در ابوغریب محبوس کردند. یکی از این ناراضیان از سپتامبر 1992 تا ژانویه 2001 به مدت هشت سال و نیم به طور انفرادی در کمپ‌های سازمان محبوس بود. سه تن از ناراضیان زندانی به نام‌های عباس صادقی نژاد، علی قشقاوی و علی رضا میر عسگری در کمپ اشرف شاهد مرگ ناراضی دیگری به نام پرویز احمدی از اعضاء فرقه تروریستی بودند.

2- گروه دوم کسانی هستند که به دستور رهبران گروه تروریستی می بایست دست به خودکشی بزنند. تشکیلات آنها بر حسب ساختار فرقه ایش به گونه ای عمل می کند که اعضاء موظفند دستورات رهبران فرقه را بی چون چرا اجرا کنند. در حقیقت افراد به گونه ای شستشوی مغزی داده می شوند که حاضرند با اطلاعات بی منطق از رهبر فرقه یعنی مسعود رجوی و مریم قجر عضدانلو به هر چه آنها دستور بدهند عمل نمایند.

همین امر به مسعود و مریم رجوی فرصت می داد تا کنترل و اراده اعضاء را به صورت کامل به دست بگیرند. آنها در وهله اول اعضاء را وادار به انجام حملات تروریستی بر ضد شهروندان بی گناه می کردند و در مرحله بعد به آنها دستور می دادند در صورتیکه احساس خطر کردند و خود را در معرض دستگیری دیدند بلافاصله "خودکشی" کنند. این اقدام به این دلیل بود که هیچ یک از افراد گروه تروریستی دستگیر نشده و جنایات رهبر، و موارد متعدد نقض حقوق بشر توسط این فرقه در خصوص ساکنان اشرف لو نرود. آنها می بایست با خوردن قرص سیانور به زندگی خود پایان دهند چون رهبران فرقه تروریستی مجاهدین دستور داده بودند. مؤسسه تحقیقات دفاع ملی آمریکا «رند» در گزارش منحصر به فرد خود در خصوص گروه تروریستی مجاهدین به این موضوع می پردازد. در گزارش رند تصریح شده است که: تا قبل از متمرکز شدن آنها در سال 2003، تمامی اعضای سازمان مجاهدین خلق قرص سیانور در یک جلد چرمی که بدور گردن خود می بستند به همراه داشتند. به تروریست های سازمان مجاهدین خلق دستور داده شده بود تا سیانور خود را اگر در جریان مأموریت دستگیر شدند ببلعند. مسعود رجوی رهبر تروریستی مجاهدین ظاهراً تمامی اعضای سازمان تروریستی را "شهادای زنده" نامیده بود.

تاکید بر خودکشی اعضاء در مرحله قبل از دستگیری به حدی بود که به تیم های عملیاتی دستور داده بودند در صورت تحت تعقیب قرار گرفتن و مجروح شدن عضو یا اعضای از تیم ترور در عملیات های تروریستی، برای جلوگیری از دستگیری مجروحین، توسط سایر اعضاء به آنها تیر خلاص زده شود تا زنده به دست نیروهای امنیتی و انتظامی نیفتند.

3- اعضای که وادار می شدند خودسوزی کنند از جمله دیگر قربانیان فرقه تروریستی آنها هستند. خودسوزی اعضاء جزئی از تاکتیک شرم آور "خودکشی" گروه تروریستی آنها بود. این تاکتیک زمانی مورد استفاده قرار می گرفت که خانم رجوی به عنوان

یکی از رهبران این فرقه تروریستی در خطر بودند و در 17 ژوئن سال 2011 توسط پلیس فرانسه دستگیر شدند. فکر کنم خانم رجوی آن زمان رو به خوبی به یاد دارند.

اولین قربانی خودسوزی فردی به نام صدیقه مجاوری بود که می بایست به دستور مسعود رجوی رهبر تروریستی مجاهدین و به گفته رسانه های وابسته شان به منظور نشان دادن "عزم و اراده ی مجاهدین" خود را در شب تولد "حضرت مسیح" به آتش بکشد.

گروه تروریستی مجاهدین آماده است در مقاطع مورد نیاز به اعضایش دستور خود سوزی بدهد. بر اساس محاسبات فرقه ای، 17 ژوئن 2003 وقتی خانم مریم رجوی به اتهام پولشویی و تدارک حملات تروریستی بر ضد اهداف ایرانی در اروپا دستگیر شد، فرقه تروریستی و رهبرانشان که دیدند این خانم تروریست در معرض خطر هست بلافاصله دستور خود سوزی صادر کردند.

در این شرایط بود که ندا حسنی دیگر قربانی این فرقه در همان روز و با تشویق رهبران فرقه تروریستی شان حاضر در محل در جلوی سفارت فرانسه در لندن خود را به شعله های آتش سپرد تا مریم رجوی محبوس بماند و به اتهامشان رسیدگی نشود. در فاصله 17 تا 23 ژوئن، 10 نفر از اعضاء گروه تروریستی مجاهدین در شهرهای مختلف اروپا و به صورت سازماندهی شده با آتش زدن خود مشعل های انسانی درست کردند که وجدان همه را به درد آورد البته به جز وجدان مسعود و خانم رجوی را.

در فرقه تروریستی رجوی اعضاء فرقه لازم است هر جا که لازم شود برای نجات جان یا جلوگیری از زندانی شدن رهبرانشان جان خود را در کف دست گذاشته و فدا کنند. آنچه مهم است زنده بودن رهبران فرقه تروریستی است و نه اعضاء.

این واقعیت و اصل در فرقه تروریستی آنها را می توان در سخنان مسعود رجوی به خوبی دریافت. وی در مصاحبه با مجله المصور " که در نشریه شماره 184 مجاهد بتاريخ 8 دیماه 1362 آمده است می گوید:

... و اگر میان ضربات مبادله شده بین ما و رژیم مقایسه ای صورت گیرد، می توان گفت که تاکنون ما طرف برنده می باشیم. تا

امروز فقط دو تن از اعضاء کمیته ی مرکزی ما کشته شده اند."

همان گونه از سخنان رجوی رهبر تروریستی بر می آید تنها چیزی که مهم است اعضاء کمیته مرکزی هستند. همچنین در جریان اشغال عراق نیز این موضوع به اثبات رسید. رهبران فرقه تروریستی رجوی وقتی که به قول معروف دیدید هوا خیلی پس است بلافاصله از عراق فرار کردند و ساکنان اردوگاه اشرف را همچنان در حبس نگه داشتند تا شیرازه فرقه تروریستی شان از هم نپاشد و پس از آن هم با به کشته دادن اعضای خود به شهید سازی روی آوردند تا به حیات ننگین خود ادامه دهند .

4- گروه چهارم که قربانی فرقه تروریستی آنها شده اند ساکنان پادگان لیبرتی و آلبانی هستند. آنها که تقریباً بالغ بر 2600 نفر اند عملاً در اسارت این فرقه تروریستی هستند. بدون هیچ گونه بهره مندی از حقوق اولیه شان مجبورند زندگی شان را در این اردوگاهها سر کنند؛ اردوگاههایی که در آن نه کسی حق ازدواج دارد، نه صدای بچه ای در آن به گوش می رسد، نه کسی حق اعتراض دارد و موارد متعدد دیگر نقض حقوق بشری.

حدود 1000 تن از گروه تروریستی فرقه رجوی را زنان تشکیل می دهند. آنها نیز از ساده ترین حقوق خود محرومند. دسته هایی از آنها که متاهل بودند مجبور شدند از همسرانشان طلاق بگیرند. آنها که بچه دار بودند مجبور شدند بچه هایشان را از طریق کشور اردن به کمپ های جدا گانه فرقه تروریستی بسپارند تا مطابق آموزه ای فرقه ای تعلیم ببینند. دختران مجرد هم که حق ازدواج ندارند.

کودکان نیز از جمله قربانیان فرقه تروریستی آنها هستند. آنها از والدینشان جدا شده و در کمپ هایی دور از پادگان اشرف و یا اردوگاه هایی در شهرهای اروپایی چون شهر کلن آلمان بزرگ شدند تا هم مورد سوء استفاده مالی فرقه در جریان پولشویی ها قرار گیرند و هم بعدها در فرقه تروریستی آنها خدمت کنند.

اداره امنیت فدرال آلمان در گزارش منحصر به فرد خود در خصوص مجاهدین خلق یعنی فرقه تروریستی مجاهدین با اشاره به سوء استفاده در جریان پولشویی ها می نویسد: کودکان خردسال اعضای که در سازمان مشغول فعالیت بودند در "خانه های کودکانی" که سازمان ایجاد کرده بود، در کشورهای غربی و همچنین شهر کلن اسکان داده شدند. این بچه ها از والدین خود جدا گردیده تا با تربیت سازمان مجاهدین جهت جنگجویی و نبرد در ارتش آزادی بخش آماده گردند.

سازمان مجاهدین خلق و رهبری آن بر اساس مرام و مشی خود در ابتدای شروع جنگ ایران و عراق در ظاهر با نظام ابراز همدردی نموده، در نشریات خود صدام و رژیم بعث را متجاوز می‌دانستند، اما در تحلیل‌های درون‌گروهی خود از جنگ به عنوان فرصتی یاد می‌کردند که در آن دولت نوپای جمهوری اسلامی تحت فشار قرار گرفته، زمینه برای تحقق اهداف آنان فراهم خواهد شد.



پس از 30 خرداد آنان علناً به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداختند و علیه آن اعلام جنگ مسلحانه نمودند. با فرار رجوی و چند تن دیگر از رهبران سازمان مجاهدین به خارج از کشور، دیدگاه آنان درباره جنگ کاملاً شفاف شد طوری که آنان رهبران ایران را جنگ‌طلب می‌دانستند و معتقد به جنگ‌افروزی ایران بودند و عملاً به دشمن ایران، یعنی رژیم عراق پیوستند و به خدمت آنان درآمدند و در مقابل از کمک‌های صدام بهره‌مند شدند.

وجه مشترک براندازی نظام جمهوری اسلامی زمینه همکاری مجاهدین با دشمن بعثی را فراهم نمود و در نهایت آنان با خیانت به ملت و میهن خود، در کنار رژیم صدام قرار گرفتند و از هیچ اقدامی در ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکردند. همکاری مجاهدین در ابتدای حضور سازمان در عراق، در شکل جاسوسی، تخلیه تلفنی، خبرپراکنی، ایفای نقش ستون پنجم، بازجویی از اسیران و ... صورت می‌گرفت اما با گذشت زمان این همکاری‌ها توسعه یافت و سازمان در قالب واحدهای رزمی ارتش عراق، به عملیات علیه جمهوری اسلامی دست زد.

حمایت‌های مجاهدین از دشمن بعثی و خدمات آنان به رژیم عراق در زمینه‌های مختلفی بود، از جمله:

1- ترور شخصیت‌های سیاسی و نظامی مؤثر در روند پیروزی انقلاب و جنگ

2- جاسوسی به نفع دشمن بعثی و ارائه اخبار و اطلاعات درباره مراکز مهم نظامی و صنعتی که به بمباران این مراکز توسط دشمن منجر می‌شد.

3- ارائه اخبار و اطلاعات درباره جنگ و نحوه عمل رزمندگان میهن و نیز زمان و مکان عملیات‌ها به ارتش عراق.

4- پخش شایعه در پشت جبهه برای تضعیف روحیه مردم.

5- تبلیغات سوء علیه کشور در سطح جهانی، تحت عنوان جنگ طلب خواندن ایران جهت توجیه تجاوزگری عراق و مشروع کردن همکاری خود با صدام

6- جمع‌آوری سلاح و استفاده از آنها علیه دولت ایران.

7- گشودن یک جبهه وسیع جنگ داخلی در ایران و تلاش برای تضعیف توان نظامی ایران از طریق منحرف کردن اذهان مسئولان و امکانات جمهوری اسلامی و تخصیص بخشی از نیروها و امکانات کشور جهت پاسخ‌گویی به اینگونه بحران‌ها.

8- انتقال هواداران خود از ایران و سایر نقاط جهان و سازماندهی و اعزام آنها به عراق برای تشکیل یک ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش برای همکاری نزدیک با ارتش عراق و ارتش خصوصی صدام

9- کمک به ارتش عراق در شنود تمام مکالمات بی‌سیم نیروهای ایران و کدگشایی آن و در اختیار گذاشتن آن در اختیار نیروهای عراق که حزب بعث بر اساس این اطلاعات حملات و یا پاتک (تدافع و حمله - اصل غافلگیری) خود را تنظیم می‌کرد و همچنین نیز بازجویی از اسیران ایرانی.



10- عملیات نظامی علیه رزمندگان میهن با همکاری و پشتیبانی لجستیکی ارتش عراق که نمونه بارز آن عملیات فروغ (مرصاد) بود که در روزهای پایانی جنگ در مناطق غرب کشور به وقوع پیوست.

11- اعزام تیم‌های بمب‌گذاری و ترور به داخل ایران به منظور ضربه زدن به توان امنیتی و نظامی ایران و تضعیف روحیه مردم.

12- ارسال علائم و پیام‌هایی به هواپیماهای عراقی که شب هنگام مبادرت به بمباران شهرها و مناطق مسکونی می‌نمودند.
در مجموع رهبران فرقه با این تحلیل که خود به تنهایی قادر به سقوط نظام جمهوری اسلامی نیستند در کنار عراق قرار گرفتند و امید داشتند با عامل فشار خارجی زمینه را برای سقوط جمهوری اسلامی و بازگشت خود به ایران فراهم سازند.

در ادامه این خیانتها و شرارت‌های این فرقه تروریستی تلاش پنجاه ساله مجاهدین خلق این فرقه تروریستی را برای جاسوسی و لو دادن را نمیتوان نادیده گرفت؛ البته این جاسوسی‌ها با توجه به نیاز زمان و امکانات و طرف درخواست کننده متفاوت بوده است



مثلا صدام حسین نیاز چندانی به دانستن محل سایتهای اتمی جمهوری اسلامی نداشت و یا در آن زمان جمهوری اسلامی سایت نداشت، برای همین مجاهدین بیشتر مراکز نظامی و بیمارستان و پناهگاه‌ها را برای طرف درخواست کننده لو می‌دادند. در آن موقع البته عکس ماهواره ای نبود ولی نقشه نظامی بود و مجاهدین خوب مختصات و گرا می‌دادند. قبل از آن هم در دوره شاه البته که ماهواره و نقشه نظامی در دسترس نبود ولی اتاق بازجویی کمیته مشترک ساواک بود و مسعود رجوی هم توان بالایی در کشیدن کروکی داشت و محل اختفای محمد حنیف نژاد یکی از موسسین سازمان مجاهدین و بقیه را با کشیدن کروکی برای ساواک در محل افشا کرد و لو داد تا با اعدام شدن آنها خودش به عنوان رهبر این گروه تروریستی معرفی شود و همچنین جان کثیف خود را نجات دهد.

فرقه تروریستی مجاهدین برای دست یابی به اهداف تروریستی اش از قربانی کردن هیچ کسی دریغ نمی ورزد و برایش فرقی نمی کند که طرف مقابلش مردم عادی باشند یا اعضای که فریب وعده های فرقه ای آنها را خورده و تحت تاثیر شستشوی مغزی فرقه جانشان را فدا کردند یا رهبران کشورهای اروپایی که به حمایت از آنها برخاستند .

با این حال هنوز هم اصرار دارید که در مراسم این گروهک تروریستی شرکت کنید ???

با تشکر :

- جمعی از اعضای جدا شده فرقه رجوی

- جمعی از خانواده های اعضای در بند فرقه رجوی

انجمن نجات مرکز مازندران